

## گفت‌وگویی صبا با نعمت‌الله سرگلزایی

کارگردان ۱۰۰ تانیه‌ای «مادر»

### دیروز می‌شوم که بیایی...



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا  
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com

rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت‌الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵  
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵  
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران  
توزیع: نشر گستر امروز

می‌دانستید چه فیلمی چه زمانی، در چه سالنی اکران می‌شود و این اکران‌ها منظم انجام می‌شود.

#### از منظر کیفیت آثار شرکت کننده چطور؟

بله فیلم‌های بسیار با کیفیتی در جشنواره امسال حضور یافتند و نکته جالب توجه تاثیر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی روی ذهنیت و قوه خلاقه کارگردانان جوان بود. خاطر هست زمانی که ما تازه به تولید فیلم‌های کوتاه روی آورده بودیم، تمام آرزوی مان این بود که کار ما دیده شود و حالا آثار سینماگران جوان به خوبی دیده می‌شود. گمان می‌کنم با نسل نوینی از فیلم‌سازان خلاق روبرو هستیم که بسیاری از آن‌ها در جشنواره ۱۰۰ حضور یافتند.

#### شما در جشنواره فیلم مقاومت هم حضور داشتید. این رویداد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

راستش درباره هفدهمین دوره جشنواره فیلم مقاومت باید بگویم که ما انتظار داشتیم در منطقه‌ای بومی حضور یابیم و در هتل‌های خوب اسکان داده شویم اما تصمیم بر این بود که ما در چند متری ساحل خلیج فارس در کمپی توریستی اسکان یابیم. البته این جشنواره هم تجربیات خود را داشت و احتمالی هم که با ابتکار برگزار کنندگان جشنواره، روی ناو «شهید رودکی» برگزار شد. این اتفاقات البته برای فیلمسازها مثبت است. اینکه ما چند بار روی خلیج فارس با کشتی و لنج شناور شدیم و پالایشگاه پارس و دیگر تاسیسات منطقه را دیدیم، به ما انگیزه و ایده می‌دهد.

#### کمی هم درباره فیلم ۱۰۰ تانیه‌ای «مادر» توضیح می‌دهید؟

ماجرای فیلم مربوط به مادری است که ۴۰ سال پس از شهادت پسرش، دوربینی وارد خانه‌اش می‌شود و او می‌خواهد درباره فرزندش صحبت کند. مادر که ۴۰ سال با یاد و خاطره پسر زندگی کرده (شاید آرزو داشته جادو شود، زمان به عقب برگردد، شاید می‌خواست خودش بخشی از زمان شود، خودی دیروز شود) اما یک باره خاموش می‌شود و چیزی به یادش نمی‌آید، یا نمی‌خواهد به یاد بیاورد. اهالی خانه می‌کوشند به او یادآوری کنند اما این تلاش ثمری ندارد و... آنچه یاد مادر می‌آید همان عشق مادر و فرزند است.

#### و برای این کار حامی مالی هم داشتید؟

پس از پایان ساخت فیلم «مادر» حوزه هنری این فیلم را در واقع از ما خرید تا مقداری از هزینه‌های ما بازگشت داشته باشد.

به ما بگوید صرف تامین بودجه‌های هنگفت و دل بستن به بودجه‌های کلان، ضرورت ساخت یک فیلم خوب و موفق نیست. حالا در دورانی هستیم که با توجه به توسعه روزافزون فن آوری بشری، شما نیز می‌توانید با دوربین همراه‌تان، با حداقل امکانات فیلم کوتاه بسازید. شاید باورش سخت باشد اما یکی از منتقدان که از دوستان خوب من نیز محسوب می‌شود، پس از تماشای «مادر» گفت تا قبل از دیدن این فیلم فکرش را هم نمی‌کرده بتوان مستندی زیر ۱۰۰ ثانیه تولید کرد.

#### جایی خواندم شما سال‌هاست مشغول ساخت فیلم هستید.

#### دلیل گرایی شما به سینما چه بود؟

خب من در دانشگاه فردوسی مشهد، حقوق و علوم قضایی می‌خواندم و بالطبع خانواده، آشنایان و دوستانم انتظار داشتند من قاضی، وکیل، حقوق دان و... شوم اما هیچکس در طالع من کارگردانی سینما را نمی‌دید. من شقیته سینما بودم و حتی شب‌های امتحان هم دغدغه ساخت فیلم داشتم.

#### فیلم «مادر» بدون شک با درونمایه عشق مادر و فرزند شهیدش ساخته شده و با احترام به شما گمان می‌کنم، «مادر» فیلمی تمام ایرانی است که در جشنواره‌های داخلی شانس زیادی دارد نه رویدادهای خارجی. با من موافقت می‌کنید؟

خیر من چنین نظری ندارم. بله این فیلم بر پایه ایمان عشق مادر و فرزند است که در جنگ از دست داده بنیان دارد ولی شما به این مقوله دقت نمی‌فرمایید که همه جای دنیا چنین اتفاقاتی افتاده است. یعنی در نقاطی که جنگ‌های سخت در گرفته، مادرانی بودند که فرزندان خود را از دست دادند. البته در دیگر کشورها از سربازانی که در راه میهن جان می‌بازند به «قهرمانان ملی» تعبیر می‌شود. پس این مقوله خاص کشور ما نیست.

#### بسیار خوب. شما در جشنواره‌های دیگری نیز حضور داشتید. آیا جشنواره فیلم ۱۰۰ نقطه‌ای داشت که آن را نسبت به دیگر رویدادها ممتاز کند؟

بله جشنواره امسال بسیار خوب و دقیق برنامه‌ریزی شده بود. همه چیز سر جای خودش بود و شما به عنوان فیلمساز احساس می‌کردید آن احترامی که توقع دارید به عنوان کارگردان به شما گذاشته شود، محقق شده است. از منظر اسکان و تغذیه و امکانات رفاهی، واقعاً جشنواره ۱۰۰ رویداد قابل احترامی بود. نظم خاصی بر این جشنواره حاکم بود. شما

یاسر سماوات - «غمگینم... چونان پیرزنی که آخرین سرباز بازگشته از جنگ، پسرش نیست...» و لادمیر ما یا کوفسکی، شاعر فوتوریست (فرازمان، آینده‌گرا) روسیه یک قرن پیش با این چند کلمه اوج اندوه بشری را به تصویر کشید. این اتفاق اما وجه اشتراک گونه‌های متعدد هنر است. گاه یک شاعر، یک نویسنده با یک مصرع، یک جمله ضربت کاری خود را می‌زند و مخاطب را به نقطه اوج داستان پر تاب می‌کند. فیلمساز نیز به یقین از این قاعده مستثنی نیست. پس از شکست تاریخی ارتش آمریکا در ویتنام ده‌ها فیلم با موضوع جنگ ایالات متحده و این کشور کوچک جنوب شرق آسیا ساخته شده است. از «شکارچی گوزن» ساخته مایکل چیمینو و «ای پنگ آخرالزمان» اثر فرانسیس فورد کاپولا گرفته تا «غلاف تمام فلزی» به کارگردانی استنلی کوپر یک... اما برای اولیور استون تنها یک صحنه، شاید ۱۰ ثانیه کافی بود تا با هنرمندی بی‌بدیل و یلم دوفو به دنیا بگوید سر ارتش آمریکا و تفنگ‌داران ایالات متحده در نبرد با فدائیان هوشی مینه چه آمد! همان صحنه معروف که «الیاس» با بازی بی‌بدیل و یلم دوفو در حال گریز از چنگ سربازان بی‌شمار و بی‌نامی است اما به بالگرد هم‌زمانش نمی‌رسد و با دسیسه کثیف و سیاستمداران گروهبان رابرت بارنز، در محاصره آن‌ها گیر می‌افتد. چند تیر به «الیاس» اصابت می‌کند و همین‌جاست که و یلم دوفو (بازیگر نقش الیاس) که تصویری از ارتش ایالات متحده است، به زانو در آمده و دست‌هایش را نومیدانه به سمت بالگرد در آسمان می‌گیرد... پس گاهی می‌شود حتی با چند ثانیه تاریخی عظیم را به تصویر کشید. در این شماره اما با نعمت‌الله سرگلزایی، کارگردان فیلم ۱۰۰ تانیه‌ای «مادر» هم کلام شدیم. اگر مختصات این گونه زیبا از فیلم‌سازی شما را جذب کرده، گفت‌وگوی ما را از دست ندهید.

#### تعریف فیلم «مادر» را زیاد شنیدم اما به نظر من شما با هزینه محدودی آن را ساختید و البته موفق هم بودید. خوب چه اتفاقی افتاد؟

بگذارید راحت به شما بگویم. «مادر» ساده‌ترین فیلم جشنواره امسال فیلم ۱۰۰ بود. اثری که توانست حقیقت مهمی را اثبات کند و



## شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره‌های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول



www.mci.ir